ایران اجتماعی
http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

یادداشت

ما و کلیشه‌های مدرسه

مرتضی نظری
تحلیلگرمسائل آموزش و پرورش

از سال ۱۳۴۰ که مسئولان وقت آموزش و پرورش از مشاوران امریکایی در تدوین برنامه‌های آموزشی ایران استفاده کردند از جمله مؤسسه فرانکلین به عنوان مشاور، خدمات گسترده‌ای به تدوین کتاب‌های درسی و کمک درسی ارائه داد و در سال ۱۳۴۹ گروهی از کارشناسان ارشد وزارت آموزش و پرورش به امریکا سفر کردند تا با الگوی آموزشی غالب آن دوره یعنی «رویکرد رفتارگرایی» آشنا شوند و پس از بازگشت به ایران در دوره‌های آموزشی متنوعی، راهکارها و روش کار را به معلمان آموزش دادند. از آن سال‌ها بود که ماجرای طرح درس، تعیین هدف‌های رفتاری و نتیجه مطلوب در ادبیات آموزشی و برنامه درسی ایران قرار گرفت.

ناصر یوسفی، شرح کاملی از این جریان را در کتاب «رویکردهای آموزشی» آورده، علاقه‌مندان می‌توانند مراجعه کنند. این سبک آموزشی البته ناقص وارد کشور ما شد و با اینکه در ۶۰ سال گذشته، کاستی‌ها و ایرادات اساسی به آن وارد بود، موجب تولد رویکردهای جدیدی در روانشناسی و فلسفه آموزش شد؛ همچون روانشناسی شناختی، رشدگرا و اخیراً هم روانشناسی انسان‌گرا، اما همچنان نظام آموزشی ما به این الگو دلبستگی دارد. رویکردی که رقابت، آزمون، رسیدن دانش آموز به نتایج از پیش تعیین شده و محوریت تام و تمام معلم از ویژگی‌های بارز آن است. پس از پیروزی انقلاب هم اگرچه در دهه‌های متمادی همیشه صحبت از تحول در آموزش و پرورش می‌شد اما نه این شعارها قادر به دل کندن از روش‌های رقابتی، نتیجه‌محور و متمرکز رفتارگرایی شد و نه توانست الگوی بومی و برآمده از اقتضائات اسلامی و ایرانی را به جای الگویی که در تمام ساختار آموزشی مدارس رخنه کرده، بنشاند. ناگفته نماند، کشورهای بسیاری از ابتدای تولد رفتارگرایی به این الگو برای مدیریت مدارس خود گرایش پیدا کردند به طوری که تا دهه‌های متمادی، سایه سیطره روانشناسی رفتارگرا تقریباً تمام مدارس کشورها را فرا گرفته بود. اما جهان امروز، تجربه جوامع بسیاری را پیش چشم ما قرار داده که چگونه توانسته‌اند با شکستن کلیشه‌های ضدخلاقیت، نظام آموزشی خود را بازسازی و کارآمد کنند و نتایج آن را به طور عینی در کیفیت زندگی شهروندان خود ببینند.

از جمله برخی کلیشه‌های مهمی که نظام آموزشی ما با آن دست به گریبان است و بیش از پنج، شش دهه یعنی از دهه ۱۹۶۰ تحت تأثیر رفتارگرایی، مدارس کشور را جولانگاه روش‌های آموزشی خود ساخته و کیفیت و رضایتمندی خانواده‌ها را در عرصه تعلیم و تربیت کاهش داده و افت انگیزه دانش‌آموز را در پی داشته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ رقابت‌گرایی

آموزش و پرورش ما به شدت رقابت‌گراست. دانش‌آموزان باید رقابت کنند تا به پاداش یا همان نتایج مطلوب برسند. در حالی که منتقدانِ رویکرد رفتارگرایی مانند پائولو فریره از مشارکت و همکاری، همدلی و مسؤلیت‌پذیری در قبال دیگران به جای رقابت می‌گویند. رقابت‌گرایی تا حد زیادی، «زندگی» را از سال‌های تحصیل بچه‌ها خط زده است.

■ نخبه‌گرایی

از آغاز نفوذ و سیطره رفتارگرایی در نظام آموزشی ما، سنگ بنای دسته‌بندی و تفکیک و غربال کردن دانش آموزان به طرق مختلف گذاشته شد. دسته‌بندی‌های غلط و برچسب زدن‌های نادرستی مانند تیزهوش و عادی و نیز تنوع بی‌پایه و اساس مدارس و از همه مُهلک‌تر؛ طبقه‌بندی شاگردان ضعیف و قوی بر اساس نمره دروس خاصی مانند ریاضی و ارزش‌گذاری بچه‌ها بر اساس نگاه تک بُعدی به یک نوع هوش و استعداد که همچنان در کشور ما رایج است، به انواع نابرابری‌ها در جامعه ایران دامن زده، غافل از اینکه بنا به پژوهش‌های معتبر و شواهد فراوان، در نظام آموزشیِ نخبه‌گرا، بیشترین آسیب و ضرر متوجه همان دانش آموزانی است که از آغاز نوجوانی به دلیل برچسب نخبه، نابغه و تیزهوش، با انتظارات بیش از حد و سایه سنگین نگاه اطرافیان مواجه بودند و باز هم آنچه از آنان سلب شده، جریان واقعی زندگی است.

■ کمّی‌گرایی

نمره و عدد در آموزش و پرورش ما خیلی غلظت دارد. والدین هم علاقه‌مندند که نتیجه درس و مدرسه فرزندشان را در قالب یک عدد ببینند. حال آنکه منتقدان این نگرش، نمره و نگاه کمّی را برای توصیف وضعیت یادگیری شاگردان کافی نمی‌دانند و معتقدند نتیجه یادگیری دانش‌آموز را باید در تلاش چند ماهه و فرآیند یادگیری آنها دید و اساساً تبدیل نتیجه آموزش به نمره را خیلی معتبر نمی‌دانند. کشورهای بسیاری، آزمون‌های رسمی را به حداقل رساندند و مجال بیشتری برای تمرین ضروریات زندگی در مدارس فراهم کرده‌اند.

■ هماهنگی و سازگاری با محیط

نظام آموزشی ما علاقه و تمایل شدیدی دارد تا همه دانش‌آموزان را یکسان، یک شکل، منظم و هماهنگ بار بیاورد. معنی و مفهوم نظم و انضباط در مدارس ما یعنی یکسان شدن با بقیه و در تراز انتظارات مدرسه ظاهر شدن. تفاوت‌های فردی بسیار به ندرت به حساب می‌آید و البته در تمام کشورهایی که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی خود را به دست رفتارگرایان سپردند، وضعیت بهتر از این نبوده. فرد یادگیرنده در این نظام آموزشی مجال ابراز وجود ندارد چون هدف، رسیدن به نتایج مطلوب از پیش تعیین شده است و مجالی برای پیدا کردن خود و کشف توانایی‌های شاگردان نیست. اگر مسابقات مختلفی هم برگزار می‌شود، مسیر، میدان بازی و رشته و زمینه ابراز وجود از قبل تعیین شده و عمده استعدادها بیرون می‌مانند. شکل‌دهی از بالا و در قالب‌های بخشنامه بسیار اهمیت دارد. دانش آموز برتر، دانش‌آموز هماهنگ‌تر و سازگارتر است. حال آنکه در نظام‌های آموزشی موفق، این روند تا حد زیادی معکوس شده یعنی این، مدارس هستند که دنبال شکوفایی ذوق شاگردها می‌دوند نه اینکه بچه‌ها را به دنبال خود بکشند. اگرچه خود معلمان و مدیران مدارس هم اختیار چندانی در فرایند آموزش ندارند چون همه باید طبق چارچوب‌های ابلاغی عمل کنند و عملکردی متفاوت از این رویه متمرکز، پذیرفته نمی‌شود.

■ نگاه نادرست نهاد سیاست

آموزش و پرورش در تمام کشورها با شدت و ضعف، تابعی از متغیرات سیاسی است و این ادعا که آموزش نباید از نهاد سیاست هیچ تأثیری بپذیرد تقریباً هم ناممکن است و هم ناشدنی، چرا که هم جامعه و هم نهاد دولت دست کم به شهروندانی نیاز دارند که آداب زندگی و تعامل در کشور خود را بیاموزند. اما آنچه به این رابطه صدمه می‌زند، انواع نگاه‌ها و تلقی‌ها و انتظارات نامعقول و نادرستی است که سیاستمداران و نهادهای دولتی از نهاد آموزش و مدرسه دارند و متأسفانه در تمام سال‌های پس از انقلاب، آموزش و پرورش کشور از این رویه‌ها دچار خسارت شده از جمله؛ نگاه انتخاباتی و تبدیل مدارس و شبکه معلمان به سازمان رأی و پیاده نظام جریانات جناحی و یا تصورات جاری از آموزش و پرورش و یا تبدیل یکصدهزار مدرسه به بازار فروش محصولات بی خاصیت تست و کنکور. و نیز اضافه بکنیم؛ توقعات عجیب و سلیقه‌ای نهاد سیاست برای جادادن همه راه‌های سعادتمندی دنیوی و اخروی در کتاب درسی آن هم به شکل مستقیم و با یک تفسیر و برداشت خاص. طوری که در ۲۰ سال گذشته، شاهد انواع کش و قوس‌ها و تعارضات فاحش در کتب درسی و تغییرات جناحی و غیرکارشناسی در کتاب‌های درسی بوده‌ایم و یا صدمه‌ای که به بُعد تخصصی تربیت معلم وارد شده که قصه پر آب دیده‌ای است. نتیجه رابطه یک‌طرفه و نگاه ابزاریِ نهاد سیاست به نهاد آموزش، ضعف بنیه علمی و توان حرفه‌ای معلم، بی توجهی به نیازهای واقعی مانند فرسودگی نیمی از فضای فیزیکی مدارس، توزیع ناعادلانه فرصت‌ها، امکانات و تجهیزات آموزشی در مناطق کم برخوردار و افزایش شکاف آموزشی در کشور بوده که در نهایت؛ جایگاه آموزش و پرورش را در چشم‌انداز عمومی کشور دچار فروکاست و کم اعتباری کرده است. منزلت معلم در برابر سایر رشته شغل‌ها مانند پزشک، پرستار، خلبان، وکیل و مانند آن دچار افت جایگاه شده است.

■ پیشنهاد:

در مدارس، اکثر بچه‌ها را به‌طور سیستماتیک پژمرده می‌کنیم و تعداد محدودی را هم با عناوینی همچون دانش‌آموز برتر به رشد کاریکاتوری دچار می‌سازیم. برای اصلاح این وضعیت، شیوه‌ای از نظام آموزشی می‌خواهیم که به تنوع استعدادها و تفاوت‌های فردی احترام بگذارد، دست به طبقه‌بندی بچه‌ها نزند و قبل از هرگونه ارزشیابی، ارزشمندی خودشان را به یادشان بیاورد. به معلم و مدیر مدرسه بیشتر اعتماد کند و به جای دخالت در جزئیات، الگوی نظارت و ارزیابی را تغییر دهد و به جای انتظار و فرمایش و بخشنامه‌های کم‌خاصیت، از حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه مدرسه لحظه‌ای دست برندارد.

گزارش «ایران» از نگاه تجاری و ارتباط برخی از مدیران مدارس با آموزشگاه‌ه

کنکور، کیسه‌ای برای درآمد

هدی هاشمی
خبرنگار

مدتی است که رقابت مدارس و آموزشگاه‌های کنکور برای داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها در سال ۱۴۰۰ آغاز شده است. در واقع آنها خیلی زود دست به کار شدند و برای جذب داوطلبان کنکور سال آینده دورخیز کردند. درست همان روزی که نام برگزیدگان کنکور ۹۹ دانشگاه‌ها از سوی سازمان سنجش آموزش کشور منتشر شد برخی از مدارس و آموزشگاه‌ها اسامی داوطلبان برتر را بر در و دیوار شهر، خیابان‌ها و معابر عمومی، تبلیغ کردند. تبلیغ آموزشگاه‌ها سال‌هاست روند ثابت و مشخصی دارد و آنها سعی می‌کنند با روش‌های مختلف بچه‌ها را به ثبت‌نام تشویق کنند. آنها شاگردان معدل عالی هر کلاس را مجانی ثبت‌نام می‌کنند، به بچه‌های معدل بالا تخفیف می‌دهند و گاهی هم چند جلسه کلاس رایگان تشکیل می‌دهند، در مدارس همایش رایگان برگزار می‌کنند و خیلی زود تعداد زیادی از بچه‌های مدرسه تصمیم می‌گیرند در این مؤسسات ثبت‌نام کنند. سوی دیگر ماجرا هم اوضاع نسبتاً ثابتی وجود دارد؛ برخی مدیران مدارس با آموزشگاه‌های کنکور و انتشاراتی‌های خاص در زمینه کتاب‌های کمک درسی قرارداد می‌بندند یا از معلم‌های برند و سرشناس کنکور برای تبلیغات مدرسه‌شان استفاده می‌کنند. این اقدام به نوعی رابطه پنهان بین مسئولان مدارس، آموزشگاه‌های کنکور و انتشاراتی‌های کتاب‌های درسی است. رابطه‌ای که خیلی از خانواده‌های دانش‌آموزان از آن بی‌اطلاع هستند. در حقیقت چند سالی است که مدیران مدارس از والدین می‌خواهند دانش‌آموزان‌شان را در کلاس‌های تقویتی مدرسه ثبت‌نام کنند. دلیلی که مدیر می‌آورد این است که دانش‌آموز در کنکور موفق‌تر عمل خواهد کرد. برخی از این مدیران دغدغه اسم و رسم و کسب درآمد بیشتر دارند و برخی دیگر می‌خواهند خرج و مخارج مدرسه را از این کار تأمین کنند.

■ تست‌های آموزشگاه‌های کنکور در مدارس

آرتا دانش‌آموز کلاس دوازدهمی در رشته ریاضی فیزیک است. او در یکی از مدارس نامدار شهر درس می‌خواند. خواهر بزرگتر آرتا هم در همان مدرسه درس خوانده و او امسال کنکور داشته است. آرتا هم مثل خواهرش حرف مدیر مدرسه را گوش کرده و در تمامی کلاس‌های کنکور مدرسه ثبت‌نام کرده است. مدرسه اسم این کلاس‌ها را فوق برنامه گذاشته است اما برای خانواده آرتا کلاس‌ها، کلاس‌های کنکور است. مادر آرتا درباره کلاس‌های کنکور این مدرسه این چنین توضیح می‌دهد: «مدیر مدرسه به ما گفت که آزمون خاص برخی از مؤسسات بنام در مدرسه برگزار می‌شود و دیگر لازم نیست که بچه هایمان را به این آموزشگاه های پر اسم و رسم بفرستیم. تقریباً ۴۰ میلیون تومان شهریه امسال دخترم شده است. با اینکه کلاس‌ها حضوری نیست اما شهریه بالا گرفته‌اند.»

آنطور که مادر آرتا می‌گوید، تمامی کلاس‌ها مجازی است و دخترش از صبح تا ساعت ۸ شب درگیر درس و مشق و کنکور است: «دخترم به‌صورت آنلاین با معلمانش ارتباط برقرار می‌کند. مدیر مدرسه به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده است که بیشترین تعداد قبولی در کنکور را این مدرسه دارد چرا که بهترین استادان کنکور در این مدرسه درس می‌دهند. وقتی برای ثبت‌نام و پرداخت شهریه به مدرسه رفتم مدیر این موضوع را مطرح کرد و خب اسامی برترین‌های کنکور این مدرسه روی بنری نصب شده بود. دخترم هر دو هفته یکبار آزمون دوره‌ای یک آموزشگاه کنکور بنام را دارد این آزمون داخل مدرسه گرفته می شود، آنها بعد از عید اردوهای علمی دارند. کنکور «نشانه» هم هر دو هفته یکبار از بچه‌ها گرفته می‌شود.

کلاس‌های تقویتی هم خود مدرسه برای دانش‌آموزانش می‌گذارد. بچه‌ها هر روز ساعت ۷ صبح تا ۷/۳۰ کلاس درس خودشان را با یک آزمون که مربوط به درس روز گذشته است شروع می‌کنند و از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۸ شب هم کلاس‌های کنکور برگزار می‌شود.

او سال تحصیلی گذشته را سخت توصیف می‌کند و می‌گوید: به‌خاطر شرایط کرونا و اینکه مدارس آمادگی آموزش مجازی را نداشتند مجبور شدم معلم خصوصی برای دخترم بگیرم. حدود۲۲ میلیون تومان هزینه معلم خصوصی دخترانم شد. برای درس عربی ۱۳ جلسه، فیزیک، ۴۱ جلسه و ادبیات ۱۹ جلسه معلم داشتند.هر جلسه ۳۰۰ هزار تومان.»

مادر آرتا درباره هزینه مدرسه دخترش معتقد است: قیمت‌ها بالا است اما به قول خانم مدیر دیگر نگران درس و کنکور آنها نیستم، خود مدرسه برنامه‌ریزی می‌کند و خود مدرسه انجام می‌دهد و از همه مهمتر تست هم هر دو هفته یکبار گرفته می‌شود.

■ نیمی از درآمد در جیب مدارس

هزینه‌های کلاس‌های کنکور در مدارس هر چقدر هم که باشد نیمی از آن در جیب معلم می‌رود و نیمی دیگر به مدیر مدرسه می‌رسد. این موضوع را یکی از معلمان کنکور که اسمش هم سال‌هاست بر سر زبان‌ها افتاده می‌گوید: ۴ سالی می‌شود که وزارت آموزش‌وپرورش مجوز آموزشگاه‌های کنکور را باطل کرده است بنابراین برخی از آموزشگاه‌های بنام و قدرتمند مجوز مدرسه غیرانتفاعی برای خودشان گرفته‌اند، برخی از خانواده‌هایی که پول دارند، فرزندانشان را در این مدارس ثبت‌نام می‌کنند. نکته مهم این است که این مدارس در کلاس دهم و یازدهم چندان موفق عمل نمی‌کنند، چرا که معلمان این مدارس معلمان درس‌های پایه نیستند به‌طور تخصصی روی کنکور فعالیت می‌کنند. در نظام آموزشی، سبک درس دادن درس‌پایه با کنکور بسیار متفاوت است. این مدارس از اسم‌ها و چهره‌های آموزشی برند استفاده می‌کنند و در تبلیغاتی که هر سال به در و دیوار به‌صورت بیلبورد می‌زنند مشتری‌های خود را پیدا می‌کنند. البته برخی از مدارس غیرانتفاعی درجه دو هم در زمینه کنکور در سطح شهر فعالیت می‌کنند این مدارس هم توانستند نسبتاً موفق عمل کنند آنها از اسم معلمان برند استفاده می‌کنند. برخی از خانواده‌ها هم به این تبلیغات توجه می‌کنند و فرزندانشان را در این مدارس ثبت‌نام می‌کنند اما خانواده‌ها نمی‌دانند که این معلم سرشناس فقط دو ماه یکبار به این مدارس سر می‌زند اکثر معلمان کنکور بنام یک دستیار دارند که این دستیارانشان با مدیر مدرسه همکاری می‌کنند و مدیران این موضوع را به خانواده‌ها نمی‌گویند. معمولاً برخی از مدیران مدارس روی اسم این معلم‌ها تبلیغات انجام می‌دهند.

او درباره هزینه‌های دریافتی معلمان سرشناس از مدرسه می‌گوید: هنگام ثبت‌نام مدیر مدرسه کلی از همین

> برخی مدیران مدارس با آموزشگاه‌های کنکور و انتشاراتی‌های خاص در زمینه کتاب‌های کمک درسی قرارداد می‌بندند یا از معلم‌های برند و سرشناس کنکور برای تبلیغات مدرسه‌شان استفاده می‌کنند. این اقدام به نوعی رابطه پنهان بین مسئولان مدارس، آموزشگاه‌های کنکور و انتشاراتی‌های کتاب‌های درسی است. رابطه‌ای که خیلی از خانواده‌های دانش‌آموزان از آن بی‌اطلاع هستند

رتبه‌های برتر از نقش و تأثیر کلاس‌های کنکور در قبولی آزمون سراسری می‌گویند

مشاور خوب کلید موفقیت در آزمون

ریحانه جولایی
خبرنگار

کنکور یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دوره نوجوانی و جوانی بسیاری از ما بوده و هنوز نیز هست. برای اینکه بتوانیم رتبه خوبی کسب کنیم و به یکی از دانشگاه‌های خوب کشور برویم سال‌ها درس خوانده‌ایم، دور بعضی از تفریحات را خط کشیده‌ایم و خلاصه روزهای سختی برای خودمان رقم زده‌ایم. برخی موفق شده‌ایم و عده‌ای هم به آنچه در ذهن داشتیم نرسیدیم. برای رسیدن به دانشگاه‌های دولتی و خوب چند سالی می‌شود که بازار کلاس‌های کنکور و تست‌زنی داغ شده‌اند. بسیاری از دانش‌آموزان ساعت‌های زیادی را در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند و هزینه‌های نسبتاً زیادی هم پرداخت می‌کنند و برخی هم در مدرسه از چنین کلاس‌هایی بهره‌مند می‌شوند. در این گزارش «ایران» با چند نفر از دانش‌آموزان برتر که در مدرسه‌های خاص درس خوانده‌اند و البته با تلاش خودشان توانسته‌اند رتبه‌های تک‌رقمی را از آن خود کنند گفت‌وگو کرده‌ایم که در زیر می‌خوانید.

■ کنکوری‌ها از نشاط روحشان غافل نشوند

سید امیرسید شنوا، رتبه یک رشته تجربی، ساکن اردبیل است و می‌خواهد در دانشگاه تهران پزشکی بخواند. او می‌گوید در سال تحصیلی در اکثر درس‌ها درصدهای بالای ۸۰ داشته اما برای درس‌های زیست و فارسی چند جلسه معلم گرفته بود تا به درصد دلخواهش برسد.

امیر که در دبیرستان تیزهوشان درس خوانده بر این باور است که کلاس‌های کنکور چندان کارآیی ندارد مگر برای افرادی که در برخی دروس بسیار ضعیف هستند و احتیاج دارند خارج از ساعات مدرسه آموزش ببینند؛ آن‌هم به این شرط که معلمی که در آموزشگاه کنکور تدریس می‌کند خودش کارکشته و باتجربه باشد.

از او می‌پرسم به نظرش کلاس‌های کنکور برای دانش‌آموزانی که کمی ضعیف‌تر هستند و در مدارس تیزهوشان درس نخوانده‌اند می‌تواند مفید باشد؟ او می‌گوید: بی‌تأثیر که نیست اما به نظر من هرکسی باید به خودش متکی باشد. من فکر می‌کنم مدرسه و کنکور وقت آدم را تلف می‌کند و دانش‌آموز باید خودش درس بخواند و وقتش را برای کلاس کنکور و تست‌زنی و این‌جور چیزها هدر ندهد. تنها در صورتی کلاس‌های کنکور می‌تواند مفید باشد که در مدرسه واقعاً معلم ضعیفی داشته باشید و خودتان از پس درس برنیایید، آن موقع کلاس کنکور می‌تواند نتیجه خوبی داشته باشد.

رتبه یک تجربی در ادامه در مورد ساعات روزانه مطالعه‌اش و راز موفقیتش می‌افزاید: روزی ۵ تا ۶ ساعت درس می‌خواندم و از فضای مجازی دوری می‌کردم، اما این‌طور نبود که تفریح نکنم، میهمانی‌های خانوادگی نروم و کلاً دور همه چیز را خط بکشم.

با این حال او به دانش‌آموزانی که نتوانسته‌اند رتبه دلخواه بیاورند و سال دیگر هم می‌خواهند در کنکور شرکت کنند توصیه می‌کند که روحیه خود را حفظ کنند و از تفریح به اندازه برای شادابی روحشان دست نکشند.

■ از مشاور خوب غافل نشوید

رتبه ۴ زبان‌های خارجی و ۳۰ تجربی منطقه دو سال ۹۹ به نام **رضا ابراهیمی** از سبزوار ثبت شده و هرچند رتبه‌آور گروه زبان خارجی شده اما هدفش ادامه تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه تهران است. رضا هم درست مثل امیر معتقد است کلاس‌های کنکور کمک چندانی برای رتبه برتر شدنش نکرده و بهتر است دانش‌آموزان هم برای دروسی که در آن ضعف دارند به کلاس‌های کنکور رجوع کنند. رضا تنها برای عربی و ریاضی به کلاس‌های کنکور رفته و توصیه می‌کند: اگر دبیر خوبی ندارید به کلاس کنکور بروید؛ در غیر این صورت کلاس‌های کنکور جز گرفتن وقت کمک دیگری به دانش‌آموز کنکوری نمی‌کند. او همچنین معتقد است برای کلاس کنکور نباید هزینه زیادی کرد و خودش هم برای ۲۰ جلسه کلاس عربی تنها ۶۰۰ هزار تومان هزینه کرده است.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌گوید که شیوه کلاس‌های کنکور به گونه‌ای است که باعث می‌شود سطح شما بالا نرود و فقط زمان را از دست بدهید. فقط معلم و مشاور خوب است که می‌تواند به شما در این راه کمک کند. از نظر او مشاور می‌تواند سهم زیادی در موفقیت یک کنکوری داشته باشد و مشاوری خوب است که خودش هم این راه را رفته باشد یعنی از نفرات برگزیده کنکور باشد و دانش‌آموز بتواند از تجربیاتش استفاده کند نه مشاوری که فقط حرف‌های انگیزشی می‌زند، بدون اینکه این راه را قبلاً طی کرده باشد.

رضا ابراهیمی هم از دانش‌آموزان سمپاد است و به گفته خودش دانش‌آموز درس‌خوانی بوده و برای سال کنکور زیاد به خودش سخت نگرفته. مثلاً در روزهایی که آزمون نداشته به میهمانی‌های خانوادگی می‌رفته و تفریح می‌کرده. اما به‌موقع‌اش درس هم می‌خواند و روزهایی که میهمانی یا برنامه خاصی داشت صبح بسیار زود بیدار می‌شد و ساعت‌های عصر را جبران می‌کرد. مثلاً در روزهای تعطیل ۱۰ تا ۱۱ ساعت مطالعه درسی داشته و روزهایی هم که در مدرسه بود روزی ۵ تا ۶ ساعت را به درس خواندن و تست زدن اختصاص می‌داد.

توصیه او به دانش‌آموزانی که در سال آینده می‌خواهند در کنکور شرکت کنند این است که از برنامه‌ریزی و مشاوره غافل نشوند. از پایه دهم یا یازدهم برای کنکور آماده شوند، مطالعه روزانه و پیوسته داشته باشند و از فضای مجازی برای چند ماه دوری کنند.

■ کلاس کنکور تأثیری در قبولی ندارد

رتبه ۷ رشته علوم انسانی به